

در تاریخ : 12/12/1392 به شماره : 9209970907201308

موضوعات مرتبط با این نمونه رأی و مرجع صدور

این نمونه رأی که در شعبه 12 دیوانعالی کشور صادر شده است.

خلاصه جریان پرونده

آقای س.خ. فرزند الف. دادخواستی به طرفیت خانم م.م. فرزند ع. به خواسته صدور حکم طلاق به دادگستری شهرستان ساری تقدیم داشته ابتدا به شورای حل اختلاف واحد 12 ساری ارجاع گردیده است خواهان توضیح داده است که خواننده دعوی به استناد سند ازدواج شماره 5746 دفترخانه رسمی شماره . . . حوزه ثبت ساری به تاریخ 1387/5/9 رسماً به عقد اینجانب درآمده است از آنجائی که نامبرده به لحاظ سوء رفتار و سوء معاشرت و حالت پرخاشگری دیگر قادر به ادامه زندگی مشترک با چنین زنی نمی‌باشم از آنجایی که خواننده در خصوص مهریه خویش در انتهای سند ازدواج به اینجانب هبه نموده اکنون از دادگاه محترم تقاضای صدور حکم طلاق دارم شورای حل اختلاف پس از تشکیل جلسه به تاریخ 1389/12/5 در وقت مقرر به علت عدم امکان سازش بین طرفین پرونده را به محاکم اعاده و به شعبه 9 دادگاه عمومی حقوقی ساری ارجاع گردیده است ملاحظه می‌شود که آقای م.ش. وکیل دعاوی از مرکز امور مشاوران حقوقی قوه قضائیه با تقدیم وکالت‌نامه خودش را وکیل خواننده معرفی نموده است شعبه مذکور پس از تعیین وقت دادرسی و دعوت از طرفین به تاریخ 1390/3/7 جلسه دادگاه را تشکیل داده و طرفین حضور ندارند وکیل خواننده حضور دارد اظهار داشت موکله تلاش بسیار در راستای تداوم زندگی دارد و از هر جهت حاضر به تمکین از زوج (خواهان) می‌باشد به خاطر اصلاح ذات‌البین و ادامه زندگی مشترک خواستار تجدید جلسه رسیدگی و نهایتاً صلح و سازش دارم شایان ذکر است در صورتی زوج اصرار بر طلاق داشته باشد خواستار تعیین و تکلیف امور مالی زوجه می‌باشم دادگاه پس از تعیین وقت رسیدگی مجدد به تاریخ 1390/5/23 در وقت مقرر جلسه دادگاه را با حضور خواهان و وکیل خواننده تشکیل داده خود خواننده حضور ندارد خواهان گفت خواسته به شرح دادخواست تقدیمی است وکیل خواننده اظهار داشت اظهارات خواهان جز تهمت و افترا و نشر اکاذیب حاوی مطلب دیگری نمی‌باشد مع‌الوصف از آنجاکه قانون‌گذار حق طلاق را برای مرد دانسته اینجانب نمی‌توانم دفاع داشته باشم دادگاه می‌تواند ضمن صدور حکم طلاق نسبت به حقوق مالی زوجه نیز تصمیم بگیرد و دیگر اینکه مهریه و نفقه زوجه در دادگاه در حال رسیدگی می‌باشد و شکایت ترک انفاق زوجه علیه زوج نیز در دادگاه تجدیدنظر مطرح می‌باشد و طرح ابطال هبه نامه نیز در شعبه هفتم به کلاسه 90/619 مطرح و در

حال رسیدگی می‌باشد که زوج می‌بایست به آن‌ها پاسخگو باشد خواهان گفت سال 1387 با خوانده عقد ازدواج منعقد کردیم ولی عروسی نکردیم و با همدیگر زندگی مشترک را شروع نکردیم به اصطلاح عرفی نامزد می‌باشیم و در مورد حقوق مالی زوجه در جواب دادگاه گفت (زوجه) مهریه را به من بخشیده است در سند ازدواج قید گردیده است در مورد شکایت وی نسبت به نفقه حکم برائت من صادر شده است سپس دادگاه دستور داده پرونده در وقت نظارت باشد و پرونده استنادی کلاسه 619/90 که از شعبه هفتم حقوقی جهت ملاحظه مطالبه شود سپس به تاریخ 1390/6/13 دادگاه جلسه را در وقت فوق‌العاده تشکیل داده و پرونده استنادی کلاسه فوق مورد ملاحظه و بررسی قرار گرفته است خلاصه آن در صورت جلسه منعکس گردیده است مبنی بر اینکه خانم م.م. (فرجام خوانده) با وکالت آقای م.ش. دعوی ابطال سند رسمی تنظیمی در دفترخانه شماره . . . ساری به شماره 1389/7/26-195570 به طرفیت شوهرش آقای س.خ. مطرح نموده است و در حال رسیدگی است لذا دادگاه خطاب به ریاست دادگستری ساری طی شرحی اعلام کرده است به اینکه: با توجه به وحدت اصحاب دعوی هر دو پرونده و ارتباط آن‌ها با همدیگر شایسته است در یک شعبه به صورت توأمان رسیدگی شود پرونده به نظر رئیس دادگستری رسیده و در ذیل صفحه 48 پرونده دستور داده پرونده کلاسه 619/90 از شعبه هفتم دادگاه حقوقی اخذ و جهت رسیدگی توأمان به شعبه 9 دادگاه حقوقی ساری ارجاع گردد شعبه اخیرالذکر پس از وصول پرونده کلاسه فوق با تعیین وقت دادرسی و دعوت از طرفین به تاریخ 1390/8/25 در وقت مقرر جلسه را با حضور طرفین و وکیل خواهان تشکیل داده و هر دو طرف لایحه تقدیم و پیوست پرونده می‌باشد دادگاه خطاب به خواهان و وکیل وی نسبت به خواسته ابطال سند رسمی چنانچه مطالبی دارید بیان نمایید وکیل خواهان اظهار داشت خواسته به شرح دادخواست تقدیمی و به شرح لایحه پیوستی می‌باشد زوج نیز گفت دادخواستی با همین مضمون در شعبه دهم مطرح گردیده دفاعیات موجه وکیل اینجانب موجب سقوط دعوی گردیده که عیناً به دادگاه محترم عرضه می‌دارم دادگاه خطاب به زوج: با توجه به اینکه در شعبه دهم قرار ردّ دعوی صادر شده است و در ماهیت موضوع اتخاذ تصمیم گردیده است لذا چنانچه راجع به دفاعیات زوجه مبنی بر اکراه و اجبار در اخذ سند مذکور (مبنی بر هبه مهریه به زوج) مطالبی دارید بیان کنید در جواب گفت: بنده اکراه و اجبار را قبول ندارم دروغ است همسرم مشتاقانه با اصرار خود به دفترخانه آمده و امضاء کرده است و سند مذکور سند رسمی است و همسرم اصرار به طلاق داشته است سؤال چرا همسر شما مشتاقانه به دفترخانه آمده و مهریه خود را هبه کرده است جواب نمی‌دانم شاید می‌خواهد طلاق بگیرد دادگاه از وکیل خواهان در مورد پرونده موجود در شعبه 103 و 108 توضیح خواسته و وکیل مذکور اظهار داشت در شعبه 103 پرونده داریم شماره کلاسه را اعلام می‌دارم موضوع تهدید و ضرب و شتم و محکومیت کیفری زوج می‌باشد و در شعبه 108 نیز موضوع تهدید و تخریب و فحاشی و ارباب نسبت به خانواده زوجه و خودش می‌باشد که حکم صادر شده است دادگاه از خواهان ابطال (زوجه) در مورد اکراه و اجبار به هبه کردن مهریه سؤال کرد در جواب گفت شوهرم بارها مرا تهدید کرده که اگر مهریه‌ات را نبخشی من همه‌جا منتشر می‌کنم که ارتباط نامشروع با دیگران داشتی و من فرهنگی هستم و از ترس آبروی خود رفتم

دفترخانه امضاء کردم چون ایشان گفته باید مهریه را ببخشی سؤال آیا شما با کسی ارتباط داشتید که از تهدید ترسیدید گفت من هرگز ارتباطی نداشتم ولی از آبروی خود ترسیدم زوج اظهار داشت شما اصرار به طلاق توافقی داشتید و در شعبه هفتم ساری مطرح گردیده است چرا با طلاق موافق بودید در شعبه مربوط مورد تهدید قرار گرفتید؟ و در همان شعبه بذل مهریه نمودید چه می‌گویید در جواب گفت من نزد قاضی ناچار شدم حق و حقوق خود را بذل کنم ولی بعداً منصرف شده و استرداد کردم (ص 68) ملاحظه می‌شود که آقای غ.س. وکیل پایه یک دادگستری از مرکز امور مشاوران حقوقی قوه قضائیه با تقدیم وکالت‌نامه خودش را وکیل زوج معرفی کرده است دادگاه طی تصمیمی قرار ارجاع امر به کارشناسی در مورد نفقه ایام گذشته و نفقه ایام عده زوجه صادر و خانم م.ت. با قید قرعه به‌عنوان کارشناس انتخاب گردیده و در همین جلسه قرار ارجاع امر به داوری نیز صادر نموده است آقای م.ص. از طرف خواهان به‌عنوان داور معرفی و نامبرده نظریه خودش را تقدیم و پیوست پرونده می‌باشد دادگاه به تاریخ 1390/10/20 در وقت فوق‌العاده جلسه را تشکیل داده و با توجه به اینکه از ناحیه زوجه داور معرفی نشده لذا دادگاه طی تصمیمی دستور داده به وکیل خواهان ابلاغ شود هزینه داوری زوجه را پرداخت نماید سپس خوانده خانم م.م. خانم ف.خ. را به‌عنوان داور معرفی می‌نماید و کارشناس نیز طی شرحی نظریه خودش را اعلام و نفقه معوقه خوانده را جمعاً مبلغ 11/3280/000 ریال و نفقه ایام عده وی را مبلغ 13/500/000 ریال تعیین نموده است ملاحظه می‌شود داور زوجه نیز نظریه خودش را تقدیم نموده و ضمیمه پرونده می‌باشد آقای ق.ف. وکیل پایه یک دادگستری با تقدیم وکالت‌نامه خودش را وکیل خوانده خانم م.م. معرفی نموده است وکیل مذکور به شرح لایحه از حقوق موکل خود دفاع کرده است اداره کل پزشکی قانونی استان مازندران به شرح شماره 1391/1/6-13-م/22714 اعلام کرده خانم م.م. در حال حاضر حامله نمی‌باشد دادگاه پس از طی مراحل دادرسی ختم رسیدگی اعلام و به شرح دادنامه شماره 1391/2/28-230 مبادرت به صدور رأی می‌نماید و استدلال کرده است به اینکه دادگاه ضمن قبول خواسته خواهان مستنداً به ماده واحده اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب 1371 مجمع تشخیص مصلحت نظام و ماده 1133 از قانون مدنی گواهی عدم امکان سازش جهت اجرای صیغه طلاق صادر می‌نماید زوج می‌تواند ضمن مراجعه به یکی از دفاتر ثبت واقعه طلاق بعد از پرداخت نفقه زوجه (معوقه و ایام عده براساس نظریه کارشناس) در حق زوجه اقدام به اجرای صیغه طلاق نماید و با توجه بر اینکه طرفین زندگی مشترک را آغاز نکرده‌اند اجرت‌المثل به زوجه تعلق نمی‌گیرد و در خصوص دعوی خانم م.م. با وکالت آقایان م.ش. و ق.ف. به‌طرفیت آقای س.خ. با وکالت آقای غ.س. به خواسته ابطال سند رسمی تنظیمی در دفترخانه شماره . . . حوزه ثبت ساری به شماره 1389/7/26-165570 استدلال کرده است به اینکه با عنایت به محتویات پرونده نظر به اینکه مفاد سند مذکور حاکی است که زوجه مهریه خود را که 313 عدد سکه تمام بهار آزادی بوده به زوج بذل نموده است و در سند مذکور مرقوم گردیده که زوجه (خانم م.م.) بدون هیچ‌گونه اکراه و اجبار سیزده و سیزده عدد سکه از مهریه خود را به همسرش س.خ. هبه نموده است با توجه به مراتب فوق و دفاعیات وکیل خوانده و نظر به اینکه هرچند در سند مذکور از لفظ هبه استفاده گردیده ولی نظر دادگاه عمل

حقوقی مذکور ابراء بوده که دائن (زوجه) از حق دین خود که از زوج داشته به اختیار صرف نظر نموده است و اقدام به اسقاط حق با میل و رغبت نموده است و دلیلی که حاکی از اکراه و اجبار زوجه در تنظیم سند مذکور باشد ارائه نگردیده است . . . بنابراین قابل عدول نمی‌باشد وکلای خواهان دلیلی برای ابطال سند مذکور ارائه ننموده‌اند و برخلاف استدلال وکلای خواهان که سعی داشتند موضوع را هبه و قابل عدول اعلام نمایند و خارج از ماده 806 قانون مدنی بدانند ولی به نظر دادگاه با توجه به شرایط هبه که عقد است نه ایقاع موضوع مذکور هبه تلقی نمی‌گردد و بلکه ایقاع است و ابراء تلقی می‌گردد برفرض پذیرش هبه بودن موضوع بخشش مهریه موضوع مشمول ماده 806 (قانون مدنی) می‌باشد که بازهم زوجه حق رجوع ندارد لذا حکم به بطلان دعوی خواهان صادر می‌گردد و با توجه به اسقاط حق از سوی زوجه مهریه‌ای به وی تعلق نمی‌گیرد و راجع به نفقه لازم به ذکر است که وکیل خواهان طلاق (زوج) اعتراض مؤثری نسبت به نظریه کارشناس به عمل نیآورده و نظریه مذکور با اوضاع و احوال محقق قضیه مغایرتی ندارد و عمده اعتراض وکیل زوج راجع به عدم تمکین زوجه بوده نه به نظریه کارشناس . . . زوجه طبق گواهی پزشکی قانونی فاقد حمل می‌باشد و مدت عده سه طهر می‌باشد و نوع طلاق رجعی است و مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش بعد از ابلاغ حکم قطعی سه ماه می‌باشد پس از ابلاغ دادنامه آقای س.خ. با وکالت آقای غ.س. و همچنین خانم م.م. با وکالت آقای ق.ف. طی دادخواست جداگانه نسبت به دادنامه صادره تجدیدنظرخواهی کردند و پرونده به شعبه 13 دادگاه تجدیدنظر استان مازندران ارجاع گردیده است شعبه مذکور به تاریخ 1391/6/8 در وقت فوق‌العاده با استدلال به اینکه زوجه راجع به سند رسمی که در آن مهریه خود را به همسرش بذل کرده ادعای اجبار و اکراه نموده لذا دستور داده با تعیین وقت رسیدگی طرفین و وکلای آنان دعوت شوند و شعبه مذکور به تاریخ 1391/9/15 در وقت مقرر جلسه دادگاه را با حضور طرفین و وکلای آنان تشکیل داده و زوجه اظهار داشت مطالب به شرح لایحه تقدیمی است و شهود خود را ظرف 72 ساعت معرفی می‌نمایم وکلای زوجه اظهار داشته‌اند 1- باملاحظه در سند مورخ 1389/7/26 - 195570 دفترخانه . . . ساری درمی‌یابیم نوع سند هبه نامه می‌باشد 2- آنچه که طرفین اراده نموده‌اند عقد هبه می‌باشد و حتی تجدیدنظر خوانده در کلیه مراحل رسیدگی بیان نموده‌اند مهریه بر من هبه شده است از این رو خواست طرفین انشاء عقد هبه می‌باشد و بنا به دلایل ذیل حکم دادگاه منطبق با موازین قانونی و شرعی نبوده و قانوناً موکله حق رجوع دارد الف: شرط تحقق هبه این است که . . . دارای دو عنصر مادی و ارادی است و تنها با جمع شدن این دو عنصر است که عقد هبه تحقق می‌یابد هبه و ابراء دو نهاد حقوقی مستقل با احکام خاص هستند هبه را قانون‌گذار عقد و ابراء را ایقاع می‌داند ب - در عقد هبه اصل بر قابل رجوع بودن آن است به جز در مواردی که در ماده 803 قانون مدنی پیش‌بینی گردیده است اما در ابراء تحت هیچ شرایطی قابلیت رجوع ندارد عقد هبه همیشه نسبت به واهب عقد جایز و نسبت متهب پس از قبول و قبض آن عقد لازم محسوب می‌گردد و همان‌گونه که می‌دانیم در عقد اصل بر برهم زدن عقد و رجوع از آن است زوج به‌عنوان دفاع گفت کلیه اتهامات زوجه کذب محض می‌باشد هرگز اتفاقاتی که در دادگاه عنوان شده نیفتاده است همسر من به جهت شرایط سنی تقاضای فرزند دار شدن را داشت لکن به دلیل

رفتار و کردار پرخاشگرانه حاضر به عملی نمودن این تقاضا نبودم همسر من با من زندگی نمی‌کرد وکیل نامبرده نیز گفت هر چند تجدیدنظر خواه (زوجه) فاقد دلیل اثباتی در مقوله ادعا بوده که ادعای فاقد دلیل لازم به پاسخ نبوده است مستند موکل سند رسمی بوده و حسب محتویات و مندرجات آن زوجه بدون اکره و اجبار به دفترخانه مربوط مراجعه و ذمه موکل را ابراء و بذل نموده است مستفاد از مواد 22-70 و 73 قانون ثبت اسناد رسمی لازم‌الاتباع بوده هر ادعایی نسبت به آن قابلیت استماع نداشته و ندارد در خصوص مقوله هبه و ابراء نظر به اینکه هبه دین و ابراء دین هر دو بلاعوض و منتهی به یک نتیجه که عبارت است از براءت ذمه مدیون یا مالکیت بلاعوض متهدب است سپس دادگاه طی تصمیمی قرار استماع شهادت شهود را صادر و به دفتر دستور داده با تعیین وقت رسیدگی از طرفین دعوت و در اختاریه زوجه قید شود شهود خود را در جلسه دادگاه حاضر نماید به تاریخ 1391/11/8 در وقت مقرر جلسه دادگاه تشکیل و طرفین و وکلای آنان و شهود حضور دارند طرفین طی لایحه اظهار نمودند قصد اصلاح و سازش دارند درخواست مهلت کردند سپس به تاریخ 1392/1/18 در وقت مقرر جلسه تشکیل داده و به علت عدم حضور تعداد از اصحاب دعوی و شهود وقت رسیدگی تجدید و پس از تعیین وقت دادرسی و دعوت از طرفین به تاریخ 1392/3/18 در وقت مقرر جلسه دادگاه با حضور طرفین و وکلای آنان و شهود تعرفه شد تشکیل و ابتدا از شهود معرفی شده بنام 1- خانم ح. 2- آقای م.ر. 3- آقای ن.م. 4- آقای ع.م. تحقیق و نامبردگان نسبت به فحاشی و ایراد ضرب و جرح توسط زوج نسبت به خانم م.م. شهادت داده‌اند سپس آقای س.خ. اظهار داشت اولاً در مورد محکومیت به پرداخت نفقه مبلغ آن زیاد است درخواست تقلیل دارم اما در مورد مهریه که 313 عدد سکه بوده خانم م.م. بذل کرده است در مورد درگیری که گواهان شهادت داده‌اند من دادخواست تمکین داده بودم رفتم منزل پدرش تا یک سری مشکلات را حل کنم و هبه نامه از روی اجبار و اکره نبوده است خانم م.م. (زوجه) اظهار داشت ایشان (زوج) به من گفت اگر مرا دوست داری مهریه‌ات را بذل کن تا با شما زندگی کنم من هم او را دوست داشتم و هبه نامه را امضاء کردم وکیل مشارالیها اظهار داشت گواهان نیز گواهی دادند موکل در اثر اجبار و کتک کاری و ضرب و جرح مهریه خود را بخشیده است و می‌دانیم هیچ زنی در شرایط عادی اقدام به بخشش مهریه خود نمی‌کند شعبه مذکور پس از طی مراحل دادرسی ختم رسیدگی اعلام و به شرح دادنامه شماره 331 به تاریخ 1392/3/19 چنین رأی می‌دهد: تجدیدنظر خواهی آقای س.خ. با وکالت آقای غ.س. به طرفیت خانم م.م. نسبت به آن قسمت از دادنامه شماره 1391/2/28-230 صادره از شعبه نهم دادگاه حقوقی ساری که متضمن محکومیت وی بر پرداخت نفقه همسر می‌باشد وارد و قابل پذیرش نیست زیرا با بررسی‌های به عمل آمده اعتراض وارده با توجه به درخواست طلاق از سوی وی به نحوی نیست که براساس و ارکان دادنامه معترض‌عنه خلل و خدشه‌ای وارد نماید تجدیدنظر خوانده تمایل به ادامه زندگی داشته و ناشزه محسوب نمی‌گردد علی‌هذا به استناد ماده 358 قانون آیین دادرسی مدنی ضمن ردّ اعتراض تجدیدنظر خواه دادنامه معترض‌عنه تأیید و استوار می‌گردد و اما اعتراض خانم م.م. با وکالت آقایان ق.ف. و م.ش. به طرفیت آقای س.خ. نسبت به آن قسمت از دادنامه فوق‌الذکر که متضمن صدور حکم بر بطلان دعوی به خواسته ابطال سند تنظیمی شماره 1389/7/26-195570 دفترخانه

رسمی . . . ساری (هبه نامه) می باشد وارد و قابل پذیرش است زیرا در سند تنظیمی آمده است زوجه تمامی مهریه خود که 313 عدد سکه بهار آزادی است در حق شوهرش هبه نموده است اولاً کمتر کسی از جامعه نسوان حاضر می شود که در شرایط عادی تمامی مهریه خود را بذل و هبه نماید و برفرض بذل یا بخشش و یا هبه حسب ماده 803 قانون مدنی واهب می تواند با بقاء عین موهوبه از هبه رجوع نماید ثانیاً حسب محتویات پرونده و اظهارات تجدیدنظرخواه و مؤدای گواهی گواهان هبه نامه مورد ادعا در شرایط عادی تنظیم (علی الظاهر منظور تنظیم نشده است) شده و علت تنظیم آن اجبار و اکراه بوده است ثالثاً تنظیم اقرارنامه ناشی از اختلافات فی مابین بوده سوابق موجود در پرونده و تشکیل پرونده های متعدد مؤید این موضوع می باشد با توجه به شرحی که مذکور افتاد این قسمت از دادنامه برخلاف موازین قانونی صادرشده و به استناد ماده 358 قانون آیین دادرسی مدنی ضمن نقض آن حکم بر ابطال سند تنظیمی فوق الذکر (هبه نامه) صادر و اعلام می گردد و اما اعتراض خانم م.م. نسبت به قسمت دیگر دادنامه مذکور که متضمن صدور حکم طلاق می باشد وارد و قابل پذیرش نیست زیرا اعتراض وارده به نحوی نیست که براساس و ارکان دادنامه معترض عنه خلل و خدشه ای وارد نماید و این (قسمت) دادنامه صحیحاً صادرشده و از نظر اصول و تشریفات آیین دادرسی فاقد ایراد و اشکال می باشد و به استناد ماده 358 قانون آیین دادرسی مدنی ضمن ردّ اعتراض نامبرده این قسمت از دادنامه تأیید و استوار می گردد . . . دادنامه به تاریخ 1392/4/24 به آقای غ.س. وکیل آقای س.خ. ابلاغ نامبرده طی دادخواست به وکالت از آقای س.خ. و لایحه پیوستی نسبت به دادنامه صادره فرجام خواهی کرده و پرونده به پس از تبادل لوایح به دیوان عالی کشور ارسال و به این شعبه ارجاع گردیده است.

هیأت شعبه در تاریخ بالا تشکیل گردید پس از قرائت گزارش آقای سید جعفر مصطفوی عضو ممیز و ملاحظه اوراق پرونده مشاوره نموده چنین رأی می دهد:

رای دیوان

نظر به مندرجات سند رسمی شماره 337570 مورخ 1389/7/28 دفتر اسناد رسمی شماره . . . حوزه ثبتی ساری که به صراحت در آن قیدشده (زوجه مهریه خود را به زوج هبه می نماید و متعاقب آن طرفین در دفتر ازدواج شماره . . . حوزه ثبتی ساری حضور یافته و مفاد سند مذکور را به عنوان هبه در توضیحات درج نمودند و با توجه به مندرجات پرونده و اظهارات گواهان و اختلاف ممتد زوجین به شرح انعکاس یافته در پرونده و تبدیل عنوان طلب به هبه و اینکه هبه یادشده معوض نبوده و تغییراتی در آن حاصل نشده و براساس ماده 803 قانون مدنی

بعد از قبض نیز واهب می‌تواند با بقاء عین موهوبه از هبه رجوع نماید و زوجین مشمول بندهای 1-2-3-4 ماده مذکور نبوده و فرض قانون‌گذار این است که هر مالک از وضع مال خود و متصرف آن آگاهی داشته و زوجه براساس مندرجات پرونده از هبه خود رجوع نموده و سند رسمی مورد استناد زوج بر مبنای مذکور طبق رأی دادگاه ابطال‌شده است لذا اعتراض فرجام‌خواه بنا به جهات مراتب و دلایل منعکس در رأی دادگاه تجدیدنظر استان مازندران و رعایت تشریفات دادرسی مخالف قانون نمی‌باشد با اصلاح رأی شماره 331-1392/3/19 شعبه سیزدهم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران مبنی بر اینکه زوج مکلف است به هنگام اجرای صیغه طلاق و ثبت آن علاوه بر تأدیه سایر حقوق زوجه مطابق رأی دادگاه نخستین، مهریه زوجه نقداً به وی تسلیم نماید، مستنداً به ماده 370 قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال 1379 دادنامه فرجام‌خواسته با اصلاح مذکور نتیجتاً ابرام و پرونده اعاده می‌گردد.

رئیس شعبه 12 دیوان عالی کشور - مستشار

طیبی - مصطفوی